


مفهوم‌شناسی و شاخص‌های کسب‌وکار حلال از دیدگاه اسلام

سعید مسعودی پور *

چکیده

کسب‌وکار و تعاملات تجاری را می‌توان یکی از حوزه‌های فراگیر تعاملات اجتماعی در جوامع بشری دانست. این حوزه همواره، یکی از حوزه‌هایی است که سامان‌دهی به آن و نظام‌سازی در آن بسیار دشوار بوده است تا جایی که تئوری‌های گوناگون اقتصادی سعی در تبیین آن در سطوح گوناگون کرده‌اند. آموزه‌های دین اسلام در حوزه اقتصاد و روابط تجاری، به‌گونه‌ای فراگیر و همه‌جانبه، نظامی برپایه کسب‌وکار حلال بنا می‌کنند. در واقع، تلاش برای کسب روزی حلال، سامان‌دهنده حوزه تعاملات تجاری و اقتصادی است. در تلاش برای کسب روزی حلال، هم سعادت اخروی تأمین خواهد شد و هم کارآمدی دین در عرصه سامان‌بخشیدن به روابط تجاری به بهترین شکل ظهور خواهد کرد. براین اساس، در نوشتار حاضر تلاش شد، اصول کسب‌وکار حلال با تکیه بر آیات و روایات برشمرده و تا حدودی تبیین شود. از جمله این اصول می‌توان به شاخص‌های کسب‌وکار اسلامی در عرصه حقوق و دستمزد، خرید و فروش، توزیع و مصرف، تبلیغات و ترویج و نیز شاخص‌های کلی در کسب‌وکار اسلامی اشاره کرد.

* دانشجوی دکترای مدیریت بازرگانی اسلامی (بازاریابی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق. 

s.masoodipoor1@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۲/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۱

واژگان کلیدی

کسب و کار حلال، مفهوم شناسی، اخلاق کسب و کار، بازار اسلامی.

طرح مسئله

بی‌شک یکی از دغدغه‌های مهم هر مکتب و نظام فکری که مدعی است، برای اداره زندگی بشر برنامه و نظریه دارد، موضوعات اقتصادی است. اینکه انسان‌ها در جامعه براساس چه الگویی و باتوجه به چه ضابطه‌ها و باید و نبایدهایی در تعاملات اقتصادی وارد شوند، موضوعی است که دیدگاه‌های متفاوتی درباره آن وجود دارد. اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی، همچون سایر ادیان الهی خود را به عبادات محدود نکرده و شامل دستورها و چارچوب‌هایی است که انسان برای سامان بخشیدن به زندگی مادی خود نیازمند است. البته باید توجه داشت که «در اسلام، اصل بر اعتقاد است، نه اقتصاد؛ لکن توده مردم تاب سختی و فقر را ندارند و ممکن است برائثر دشواری معیشت، قدرت حفظ دین از آن‌ها ربوده شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۵۴). مقاله حاضر با بررسی مفهوم کسب و کار حلال از دیدگاه اسلام و موضوعات مرتبط با آن درصدد شناخت وضع مطلوب کسب و کار از منظر اسلام است. در این تحقیق، نخست به مفهوم کسب و کار حلال می‌پردازیم و سپس اصول و معیارهای اسلامی در کسب و کار را بیان می‌کنیم.

مفهوم کسب و کار حلال از منظر اسلام

در ادبیات غرب کلمه‌های گوناگونی در معنای کسب و کار به کار می‌رود که سه واژه مهم آن عبارت است از: Business و Trade و Commerce. کلمه Commerce این‌گونه معنا شده است: نظامی اقتصادی است که شکل‌دهنده محیطی برای Business است. این نظام شامل نظام‌های قانونی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی است که در هر کشوری در حال فعالیت هستند. در معنای Business باید گفت که کسب و کار، سازمانی



است که درگیر معامله کالا یا خدمت یا هردوی آن با مصرف‌کنندگان است (سولیوان، ۲۰۰۳، ص ۲۹).

یکی از لغت‌نامه‌های موجود در حوزه کسب‌وکار، کلمه Trade را این‌گونه معنا کرده است: «فعالیت فروش کالا و خدمات به منظور سودآوری خریدن یا فروختن در بازار» (دیکشنری کسب‌وکار، ۱۹۹۶، ص ۵۰۳). به نظر می‌رسد که معنای کلمه Trade بسیار به معنای کلمه بیع نزدیک است. شهید ثانی در شرح لمعه معنای بیع را این‌گونه بیان می‌کند: «هوای عقد البیع الإيجاب و القبول الدالان علی نقل الملك بعوض معلوم و هذا كما هو تعريف للعقد يصلح تعريفا للبيع لنفسه» (عاملی، ۱۴۱۰، ص ۲۲۱). در مقاله حاضر، معنای مدنظر از کلمه کسب‌وکار، کلی‌ترین معنای آن است؛ یعنی تمام فعالیت‌هایی که انسان به منظور کسب سود در جهت تأمین نیازهای مادی خود انجام می‌دهد. بنابراین، کسب‌وکار فعالیت‌هایی است که فرد تحت عنوان کارمند در سازمانی بزرگ یا کوچک انجام می‌دهد یا اقداماتی است که وی در قالب فعالیت‌های اقتصادی خرد بدان می‌پردازد. از این رو، تفاوتی نیست میان فعالیت اقتصادی در سطح کلان و در سازمانی بزرگ با فعالیت اقتصادی در سطح خرد و کسب‌وکاری که با سرمایه اندک راه‌اندازی شده است.

معناشناسی حلال

برای معناشناسی حلال دو گام برداشته خواهد شد: گام نخست، معناشناسی لغوی است که برای این منظور به متن‌های لغوی مراجعه می‌شود و گام دوم، شناخت معنای قرآنی حلال است که در این مرحله به آیاتی که ریشه حل در آن‌ها به کار رفته است، مراجعه می‌شود. حلال از ریشه حل است. در معنای آن نوشته‌اند: «حَلَّ السَّيِّءُ يَحِلُّ - جَلَا خِلَافَ حَرَمٍ فَهُوَ حَلَالٌ» (فیومی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷). حَلَّ به معنای بازکردن است: ﴿وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي﴾ (گره از زبان من باز کن) (طه، ۲۷). حلال آن است که از ممنوعیت باز شده است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۶۶). «حَلَالٌ: أَيْ غَيْرُحَرْمٍ» (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۲۵۵). بنابراین، می‌توان گفت

که «الحلال: ضد الحرام» (جزری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۲۸). به طور خلاصه حلال را به این دلیل حلال گفته‌اند که کلمه حَلّ دراصل، به معنای بازکردن گره است؛ همچنان که در مقابل آن، کلمه «عقد» به معنای گره و گره‌زدن و پای بستن است و گره‌بازکردن نوعی آزادکردن است و حلال بودن چیزی برای انسان نوعی آزادی است برای او (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۳۴). برای شناخت مفهوم حلال از دیدگاه قرآن، تمام آیاتی که از این ریشه هستند، برشمرده می‌شوند. در مجموع، ۵۱ بار این ریشه در قرآن تکرار شده است که این ۵۱ کلمه در ۲۱ سوره و در ۴۳ آیه آمده‌اند. البته، معنای برخی از این کلمه‌ها با معنای مدنظر در پژوهش متفاوت است که کنار گذاشته می‌شوند.

برخی از آیات نیز به موضوع ازدواج و طلاق و نیز حلیت و حرمت در بحث ازدواج پرداخته‌اند که این آیات نیز کنار گذاشته می‌شوند. به طور کلی، می‌توان مصداق‌های حلال در قرآن را در دو دسته قرار داد: ۱. موضوعات مربوط به نکاح و طلاق و... ۲. موضوعات مربوط به کسب‌کار. از آنجایی که موضوع پژوهش کسب‌وکار است، آیاتی که با موضوع مقاله ارتباط ندارند، کنار گذاشته می‌شوند.

آیه شریفه ﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ لِرِيبَةٍ تَعْتَبُونَ﴾ (نحل، ۱۱۴) در مقام این است که هر رزق طیبی را حلال کند. دین خدا همه‌اش مطابق فطرت است و خدای سبحان انسان را مجهز به جهاز تغذیه خلق کرده و موجوداتی از زمین، مانند حیوانات و نباتات را ملایم با قوام بشر قرار داده و طبع بشر بدون هیچ نفرتی مایل به آن‌هاست، چنین چیزی برای او حلال است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۵۲۴). همچنین، واژه طیب در آیات متعددی در کنار حلال آمده (نک: بقره، ۱۶۸ / مائده، ۸۸ / انفال، ۶۹ / نحل، ۱۱۴) و حکایتگر این است که برخلاف رزق حرام، آنچه از راه حلال به دست می‌آید و مصرف می‌شود، به رسمیت شناخته شده است و آنچه از طریق حرام به دست می‌آید، عنوان رزق بر آن بار نمی‌شود.

یکی از شئون جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان در دنیا، مشغول شدن فرد به کاری است که به وسیله آن بتواند ضمن کسب درآمد، نیازهای مادی خود و خانواده تحت سرپرستی‌اش را تأمین کند. کسب درآمد یکی از آثار مهم کارکردن است و در روایات بر آن بسیار تأکید شده و



از آن به عنوان عملی واجب بر هر مسلمان یاد شده و کسب روزی حلال عبادت و حتی برترین عبادت‌ها شمرده شده است. همچنین، در روایت آمده است: «عبادت ده جزء دارد، نُه جزء آن در طلب حلال است» (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۱۰۰، ص ۹). از آنجاکه قبولی بسیاری از عبادت‌ها در گروهی حلال بودن کسب انسان است، نُه جزء عبادت، زمانی محقق خواهد شد که درآمد انسان حلال باشد.

در روایت‌ها کارکردن برای کسب درآمد، عزت‌بخش به فرد معرفی شده است. اهمیت کار، تنها به کسب روزی و درآمد نیست. کار از نگاه اسلامی کارکردهای فراقصدی نیز دارد. در روایات، حتی در صورت بی‌نیازی انسان به کسب درآمد بیشتر، باز هم به انجام کار سفارش و برکراحت داشتن ترک تجارت تأکید شده است. به عنوان مثال، وقتی امام صادق علیه السلام شنیدند معاذ کرباس فروش ترک تجارت کرده است، فرمودند: «کار شیطان است.

کسی که تجارت را رها کند، دوسوم عقلش هدر رفته است. مگر نمی‌داند که کاروانی از شام آمد و پیامبر از آن کالا خرید و با آن‌ها تجارت کرد و سودی برد که با آن وام خود را پرداخت؟» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۱۶).

قرآن کریم در آیه‌های فراوانی یاد می‌کند که خداوند منافع و امکانات تولید را در اختیار انسان‌ها قرار داده و با تأکید بر تصرف در عوامل تولید، آنان را به آباد کردن زمین و برطرف کردن نیازهای معیشتی خود، تشویق کرده است (ایروانی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۱).

بهبودبخشیدن به وضع زندگی و تدارک برخی برنامه‌های اقتصادی در جامعه، نه تنها نقص و عیبی برای مسلمان به حساب نمی‌آید، بلکه ناشی از قوت ایمان و اراده استوار او در راه رسیدن به هدف‌های والای معنوی است. رئیس مذهب جعفری بر این اندیشه پای می‌فشرد که: «نُبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ لَا يُرَى ظَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ تَزْوُجِدَ لِمَعَادٍ أَوْ لِدَّةٍ فِي غَيْرِ ذَاتِ مُحَرَّمٍ»؛ (کافی ج ۵ ص ۸۷ چ ۱۳۵۹) (کوچیدن برای مسلمانِ عاقل شایسته نیست؛ مگر در سه جا: بهبود بخشیدن به وضع اقتصادی، [مانند سفرهای تجاری و...]. یا کسب توشه آخرت، [مانند سفرهای زیارتی]، یا رسیدن به لذت‌های حلال، [مانند سفرهای تفریحی]) (پاک‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۵۷-۷۲).

شاخص‌های اسلامی در کسب‌وکار

فلسفه وجودی تمام سازمان‌ها، صرف‌نظر از نوع فعالیتشان را می‌توان ایجاد ارزش از طریق رفع نیاز مشتریان دانست. در این صورت، هم خواسته‌های مشتری موضوعیت می‌یابد و فرد کسب سود را در کنار کسب رضایت مشتری دنبال می‌کند و هم خواسته‌ها و نیازهای مشتری تا آنجایی به رسمیت شناخته می‌شود که با رضایت الهی منافات نداشته؛ بلکه در طول آن باشد. اهمیت توجه به نیازهای واقعی در کسب‌وکار تا جایی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این خصوص می‌فرمایند: «کسی که در راه برآوردن نیاز برادر مؤمن خود بکوشد، چنان است که ۹ هزار سال با روزه‌گرفتن و شب‌زنده‌داری خدا را عبادت کرده باشد» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ص ۴۰۹).

۱. شاخص اسلامی حقوق و دستمزد در بازار کار

یکی از موضوعات بسیار مهمی که در روایات بر آن تأکید فراوان شده است، معلوم کردن دستمزد اجیر در ابتدای به‌کارگیری وی است؛ به این صورت که مشخص شود در قبال چه کاری، چه میزان به وی پرداخت خواهد شد. در اقتصاد اسلامی، مکتب اقتصادی بایسته‌ها و نبایسته‌های بازارهای اقتصادی، از جمله بازار کار را با استفاده از متن‌های دینی روشن می‌کند (رضایی، ۱۳۸۴، ص ۶۴). در نگاه اسلامی موضوع تعیین دستمزد با موضوع انصاف به ایمان گره خورده است و کسی که به خدا و روز واپسین ایمان دارد، نباید مزدبری را به‌کار گیرد، مگر اینکه پیش‌تر مزدش را معلوم سازد (کلینی، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۲۸۹). در خصوص اهمیت این موضوع در روایات آمده است که اگر کسی مزدش معین نشود و برای تو کاری انجام دهد و در عین حال، مزد او را سه برابر بپردازد، باز گمان می‌کند که مزدش را کم داده‌ای؛ اما اگر با او طی کنی و آنگاه مزدش را بپردازی، از اینکه اجرتش را کامل داده‌ای، سپاسگزار خواهد بود و اگر ذره‌ای بیشتر از مزدش بدهی، می‌فهمد که به او بیشتر داده‌ای (کلینی، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۲۸۸).



این انتظار بجایی است که کارمند سازمان در قبال زحمتی که برای سازمان خود می‌کشد، از دستمزد منصفانه و عادلانه برخوردار شود. ضرورت توجه به این اصل اخلاقی در سازمان‌ها از آنجا ناشی می‌شود که گاه، سازمان‌ها به دلایل گوناگون، از جمله زیادبودن نیروی کار در مقایسه با تقاضای آن، مضطرب‌بودن فرد در یافتن شغلی که بتواند با آن روزی کسب کند و...، حقوقی کمتر از آنچه حق فرد است، به او پیشنهاد می‌دهند. کم‌دادن حق کارکنان در روایات، به شدت مذمت و نهی شده است. پیامبر خدا^ه در این باره فرمودند: «کسی که مزد مزدوری را کم دهد، خداوند عملش را باطل گرداند و بوی بهشت را که از مسافت پانصدساله به مشام می‌رسد، بروی حرام کند» (شیخ صدوق، ۱۳۴۹، ص ۴۲۷). یکی دیگر از سفارش‌هایی که دربارهٔ دستمزد کارکنان شده است، پرداخت بی تأخیر آن است، تا جایی که در روایات آمده است، پیش از اینکه عرق کارگر، پس از اتمام کار خشک شود، مزد او را بپردازید (کلینی، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۲۸۹). همچنین، براساس قاعدهٔ رفتاری، انسان باید در انجام کارهایی که به او محول شده است، تمام توان خود را برای انجام آن به بهترین شکل به کار گیرد؛ در غیر این صورت، کوتاهی‌کردن در کار به پشیمانی و سرزنش و حسرت برای فرد منجر خواهد شد. باتوجه به این توضیحات، می‌توان اصول اسلامی در زمینهٔ حقوق و دستمزد را در شکل زیر نشان داد:

شکل ۱: اصول کسب و کار حلال مرتبط با دستمزد



۲. شاخص‌های اسلامی در خرید و فروش

بخشی از روابط تجاری هر سازمانی با فروشندگان و تأمین‌کنندگان مواد اولیه سازمان است و درنهایت، محصول نهایی برای اینکه به مصرف برسد، باید از طریق عرضه‌کنندگان توزیع شود؛ از این رو بخشی از تعاملات معمول سازمان‌ها با این دو حلقه خواهد بود.

۱۰۲. نهی از سوگند خوردن

به‌طور کلی، معصومان عليه السلام افراد را از سوگند خوردن در کسب و کار نهی کرده‌اند. سوگند یا مبتنی بر حقیقت است که سوگند راست تلقی می‌شود، یا مبتنی بر دروغ. اگر فرد سوگندی خورد و بداند که دروغ می‌گوید، به جنگ خدا رفته است (کلینی، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۴۳۵). براساس روایات، اگر کسی هنگام خرید و فروش کالا، حتی سوگند راست بخورد، خداوند در روز قیامت به وی نگاه نمی‌کند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۲۰). همچنین، در روایت آمده است، چنانچه ضرورتی در میان نباشد، نه به راست و نه به دروغ، به خدا سوگند مخور و خدا را وسیله سوگند خود قرار مده؛ زیرا خداوند به کسی که به نام او سوگند دروغ یاد کند، رحم نمی‌کند و از او مراقبت نمی‌کند (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۷۴، ص ۶۸). از جمله آثار وضعی و دنیوی سوگند خوردن، تلف شدن و از بین رفتن کالا است (کلینی، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۱۶۲).

۲.۲. پس‌گرفتن کالا

در روایات به پس‌گرفتن کالا، در صورتی که خریدار آن را نخواهد، بسیار سفارش شده است؛ درحالی‌که بسیاری از فروشندگان از آن امتناع می‌کنند و حتی در فروشگاه خود، تابلویی مبنی بر ممکن نبودن تعویض یا پس‌دادن کالا نصب می‌کنند. در روایتی آمده است که هرکس معامله‌ای شخص پیشیمانی را فسخ کند، خداوند روز قیامت از گناهان او بگذرد (محمدی‌ری شهری، ۱۳۸۶، ص ۵۲۳). همچنین، از جمله افرادی که خداوند در قیامت به آن‌ها توجه می‌کند، کسانی هستند که معامله‌ای شخص پیشیمان شده از خرید را فسخ کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۴).



۳.۲. نداشتن بدهی

در روایات از یک سو، افراد را از گرفتن وام و مدیون کردن خود به دیگری بازداشته‌اند: «از وام گرفتن بپرهیزید که آن اندوه شب و خواری روز است» (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۱۰۰، ص ۱۴۱) و از سوی دیگر، در صورتی که فرد نتواند مخارج زندگی خود را تأمین کند، به او اجازه گرفتن وام داده شده است. پس، در وهله اول، بر کسب روزی از طریق کار و تلاش تأکید شده است و اگر به دلایلی این کار ممکن نشد، فرد اجازه دارد از دیگری وام بگیرد. همچنین، برای کم بودن قرض و بدهی فایده‌هایی، از جمله طولانی شدن عمر را بر شمرده‌اند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۶۲). رسول اکرم ﷺ در روایت زیبایی (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۱۰۰، ص ۱۴۷) رفتار افراد در طلب و پرداخت بدهی را دسته‌بندی کرده و برای هر دسته نتیجه‌های این رفتار را بیان کرده‌اند که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: انواع وام

گروه‌های رفتاری	اگر طلب کار باشد	اگر بدهکار باشد	توصیف نتایج
دسته اول	مهلت می‌دهد	به موقع می‌پردازد	سود می‌برد و زیان نمی‌کند
دسته دوم	به موقع می‌گیرد	به موقع می‌پردازد	نه سود می‌برد و نه زیانی می‌کند
دسته سوم	به موقع پس می‌گیرد	تعطل و تأخیر می‌کند	سودی نمی‌برد و زیان می‌کند

توجه به این اصول زمینه‌ی ادای سریع‌تر بدهی را فراهم می‌کند و باعث می‌شود افراد به یکدیگر اعتماد کرده و به همدیگر قرض دهند. همچنین، در روایتی گناه کوتاهی کسی که می‌تواند حق دیگری را بپردازد، همانند گناه افراد باجگیر و مصداقی از ظلم معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۱۰۰، ص ۱۴۷).

۴.۲. سود منصفانه

سودگرفتن یکی از موضوعات بسیار بحث‌برانگیز و مهم در کسب و کار است. در روایت‌ها ضرر رساندن به مؤمن کاری حرام معرفی شده است (کلینی، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۱۵۳)؛ بنابراین سود دریافتی باید به گونه‌ای باشد که این اصل را خدشه‌دار نکند. همچنین، در روایات آمده

است که سودگرفتن مؤمن از مؤمن رباست؛ مگر اینکه بیش از صد درهم از او خرید کند که در این صورت به اندازه مصرف یک روز می توان از او سود گرفت (کلینی، ۱۳۵۹، ج ۵، ص ۱۵۵). به طور کلی، باید گفت که از نظر اسلام کسب سود، پس از ادای حقوق واجب، نه تنها اشکالی ندارد که موجب گردش مال و رونق کسب و کار می شود و همچنین نشانه عقل است؛ مگر اینکه این کثرت سود به انباشتن و ذخیره کردن، بدون گردش قبلی بینجامد. اما اصل کثرت سود در صورتی که در گردش باشد و حقوق واجب آن داده شود، نه تنها حرام نیست که اغلب، موجب ایجاد اشتغال و رونق بازار کسب و کار کلان مملکت می شود (قراملکی و شهریاری، ۱۳۸۹، ص ۴۴۹). با این توضیح باید گفت از موضوعات بسیار مهمی که بسیار در کسب و کار مطالعه و بررسی می شود، قیمت و موضوعات مرتبط با آن است. در جدول ۲ به این نکته های مهمی در این باره اشاره شده است.

جدول ۲: اثر قیمت و موضوعات آن

عنوان	توضیح	احادیث و آیات	منبع
افزایش کاذب قیمت	افزایش قیمت جنسی بدون اینکه فرد قصد خرید آن را داشته باشد، خیانت است.	قال رسول الله ﷺ: «الْتَّاجِشُ خَائِنٌ»؛ (کسی که قیمت جنسی را افزایش می دهد بدون اینکه قصد خرید داشته باشد، خائن است.)	مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۷۳، ص ۳۴۸.
تحقیق درباره قیمت	انسان برای خرید یا فروش کالایی باید پیش از آن، اطلاعاتی از قیمت های موجود در بازار به دست آورد تا ضرر نکند.	قال رسول الله ﷺ: «الْمُعْتَبُونَ لَا مَحْمُودٌ وَلَا مَأْجُورٌ»؛ (کسی که معیون می شود، نه نزد خلق پسندیده است و نه نزد خدا دارای پاداش است.)	مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۱۰۰، ص ۹۴.
آرزوی گران شدن نکردن	نه تنها تلاش برای گران کردن قیمت کالا به شکل های گوناگون مطرود است، بلکه حتی آرزوی گران شدن کالا نیز مذمت شده است.	عن رسول الله ﷺ: «مَنْ تَمَنَى عَلَى أُمَّتِي الْغَلَاءَ لَيْلَهُ وَاحِدَهُ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ أَرْبَعِينَ سَنَةً»؛ (هرکس یک شب در آرزوی گرانی برای امت من باشد، خداوند اعمال چهل ساله او را تباه خواهد کرد.)	نصیری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۹۸.
سوءاستفاده نکردن از اضطرار	سوءاستفاده نکردن از اضطرار افراد و فرصت طلب نبودن از اصولی است که در کسب و کار باید به آن توجه کرد.	عن أمير المؤمنين عليه السلام: «نهى رسول الله عن بيع المُنْتَظَرِينَ»؛ (رسول خدا ﷺ از خرید [اجحاف] گرانه [اموال اشخاص که ناچار به فروش شده اند، منع کرده اند.)	محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۲۱.

۵.۲. دخالت نکردن در معامله دیگران

یکی از اصول اخلاقی که در خرید و فروش باید به آن پایبند بود، واردنشدن و دخالت نکردن در معامله میان افراد است. رسول خدا ﷺ از اینکه کسی در معامله برادر مسلمان خود وارد شود، نهی فرمود؛ «أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ فِي سَوْمِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۳۸).

۶.۲. انصاف در معامله

انصاف اصل اخلاقی دیگری است که در تمام شئون کسب و کار باید به آن توجه شود و منحصر در رفتار با فروشندگان و مشتریان نیست. انصاف، بدیهی ترین رفتاری است که هر مسلمانی باید با تمام انسان ها فارغ از دین و مذهبشان داشته باشد و سطح بالاتر از آن، یعنی ایثار، مخصوص مؤمنان است. امیرالمؤمنین عليه السلام فرمودند: «عَامِلٌ سَائِرِ النَّاسِ بِالْإِنصَافِ وَ عَامِلٌ الْمُؤْمِنِينَ بِالْإِثَارِ»؛ با دیگر مردم به انصاف رفتار کن و با مؤمنان به ایثار (حرعاملی، ۱۴۰۹، ص ۴۶۷).

۷.۲. چانه زنی

یکی از آداب جالب توجه در کسب و کار از منظر اسلام، چانه زنی برای کم کردن قیمت و گرفتن تخفیف از فروشنده است که به آن سفارش شده و اثری روانی در خریدار دارد و نوعی اطمینان و آرامش خاطر در او به وجود می آورد. در روایت آمده است که با خریدار چانه بزن؛ زیرا اگرچه زیاد هم پول بدهد، چانه زدن موجب آرامش و رضایت خاطرش می شود. زیان در خرید و فروش کاری پسندیده یا سزاوار پاداش نیست (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۵۵). واضح است که این اصل در کنار اصول دیگر، مانند قیمت عادلانه، به این معناست که چانه زنی باید بر سر قیمت واقعی و عادلانه باشد، نه قیمت غیرواقعی و فراتر از ارزش محصول. همچنین، ذکر این نکته ضروری است که چون یکی دیگر از بایدهای رفتاری در کسب و کار، آسان گیری در خرید و فروش است و با توجه به اینکه در عرف جامعه حدی از چانه زنی پذیرفته شده؛ بنابراین این کار منافاتی با آسان گیری نخواهد داشت.

۸.۲. کم‌فروشی نکردن

یکی از آسیب‌های رفتاری که فعالان حوزه کسب‌وکار ممکن است به آن مبتلا شوند، کم‌فروشی است که خداوند در قرآن کریم نسبت به آن هشدار داده است: ﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾؛ (و ای قوم من، پیمان‌ها و ترازو را به قسط، تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید) (هود، ۸۵). کلمه «أَوْفُوا» امر حاضر از باب «ایفاء» بر وزن افعال است و ایفاء یعنی حق کسی را به طور تمام و کامل پرداختن، برخلاف «بخس» که به معنای نقص است. در این آیه سخن از مکیال و میزان است و این باب تفصیل بعد از اجمال است که شدت اهتمام گوینده به آن کلام را می‌رساند و می‌فهماند که سفارش به ایفای کیل و وزن آن قدر مهم است که مجتمع شما از آن بی‌نیاز نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۵۴۲).

«مطففین» حق خود را رعایت می‌کنند، ولی حق دیگران را نه و به عبارتی دیگر، حق را برای دیگران آن‌طور که برای خود رعایت می‌کنند، رعایت نمی‌کنند و این باعث تباهی اجتماع انسانی است که اساس آن بر تعادل حقوق متقابل است. اگر این تعادل از بین برود و فاسد شود، همه چیز فاسد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۳۷۹). باید یادآور شد که کم‌فروشی شامل کم‌گذاری در کمیت و کیفیت کالا هنگام معامله است (هادوی‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸). روایات از یک سو، کم‌فروشی را باعث قحطی معرفی کرده و از سوی دیگر، بیشتر دادن کالا را عامل برکت یافتن مال دانسته‌اند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این خصوص می‌فرمایند:

چون پس از من زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی زیاد می‌شود و چون کم‌فروشی کنند، خداوند آنان را به قحطی و کمبود مبتلا می‌کند و چون زکات ندهند، زمین برکات خود، مانند غلات و میوه‌ها و معادن را از آن‌ها دریغ می‌دارد و چون در قضاوت ستم کنند، بر ظلم و تجاوز، یکدیگر را یاری کنند و چون عهد و پیمان‌ها را بشکنند، خداوند دشمنشان را بر آنان مسلط کند (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص ۵۱).

۹.۲. پس‌گرفتن کالای معیوب

یکی دیگر از مسائلی که ممکن است افراد با آن مواجه شوند، فروش کالای معیوب یا آسیب‌دیده است که از دو حال خارج نیست: یا فروشنده از عیب کالا اطلاع دارد یا ندارد.

در صورتی که فروشنده از عیب کالا مطلع باشد، باید خریدار را نیز از نقص یا عیب کالا آگاه کند و خریدار در این صورت، دیگر حق فسخ معامله را به دلیل وجود عیب در کالا نخواهد داشت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این خصوص می‌فرمایند: «مسلمان با مسلمان برادر است و جایز نیست به برادرش چیز معیوبی را بفروشد؛ مگر اینکه به او بگوید (ابن‌شعبه، ۱۳۸۲، ص ۵۹). اما در صورتی که فروشنده نیز از عیب کالا آگاه نباشد و بعد از فروش، خریدار از عیب کالا مطلع شود، در اینجا چون اصل معامله بر فروش کالای سالم و بدون نقص بوده است؛ بنابراین حق خیار برای مشتری وجود خواهد داشت.

۳. شاخص اسلامی در توزیع محصول

از دیدگاه مکتب سرمایه‌داری مشکل اساسی اقتصاد «کمبود نسبی منابع طبیعی» و از دیدگاه مارکسیسم «مشکل تضاد بین شکل تولید و روابط توزیع» است؛ ولی از منظر اسلام، مشکل اقتصاد به «خود انسان و ظلم و کفران او» برمی‌گردد. ظلم او در عرصه اقتصادی به شکل توزیع نابرابر ثروت و نیز مبادلات ناسالم نمود می‌یابد و کفران او به شکل اهمال منابع طبیعی تولید و مصرف نادرست؛ از این رو بخشی از آموزه‌های اخلاقی اقتصادی اسلام به دو عرصه توزیع ثروت و توزیع کالاها و خدمات (مبادلات) اختصاص دارد (ایروانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰). از جمله اصول و نکات اخلاقی که در رابطه با توزیع کالا باید به آن توجه کرد، عبارت است از: حذف واسطه‌گری غیرلازم (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۲۶)، نفی کم‌فروشی (مطلقین: ۱- ۳ / اسراء: ۳۵)، مداخله نکردن در معامله دیگران (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳) و ممنوع بودن فروش کالاهای تقلبی و نفی تبلیغات خلاف واقع.

یکی دیگر از گناهان بزرگی که در کسب و کار از آن بسیار نهی شده، احتکار است (صدوق، ج ۳، ص ۱۵۹). هر بنگاهی با توجه به اینکه چه جایگاهی در زنجیره تولید محصول دارد، شیوه‌های متفاوتی برای احتکار کردن آن برمی‌گزیند. اگر محصول تولیدشده بنگاه به مصرف سایر بنگاه‌ها برسد، در این صورت بازار مصرف، بنگاه‌هایی هستند که ورودی آن‌ها محصول تولیدشده بنگاه مفروض است و انبار کردن محصولات تولیدی و عرضه نکردن آن‌ها به بازار

مصدافی از احتکار است. اما شکل دوم احتکار که روایات بیشتر ناظر به آن است و به شدت از آن نهی کرده‌اند، انبارکردن و از دسترس خارج کردن کالاهای ضروری و اساسی افراد جامعه است، به شکلی که این اقدام باعث کمیاب شدن آن محصول و درنهایت، افزایش قیمت آن شود. دو عامل اصلی در شکل‌گیری احتکار نقش دارد: یکی وجود نیاز و اضطرار و دیگری نبود عرضه‌کننده. از دیگر عوامل زمینه‌ساز احتکار نبود شبکه صحیح و سالم توزیع کالا، نبود جایگزینی برای کالا، وقوع حوادثی از قبیل خشکسالی و زلزله و...، توزیع ناعادلانه درآمد، ضعف ایمان و بی‌اعتقادی به مبانی اخلاقی و دینی عده‌ای از فروشندگان، کم‌بودن تعداد تولیدکنندگان و فروشندگان و نیز زیادبودن تعداد مصرف‌کنندگان (سبحانی، ۱۳۸۰، ص ۶۵). برای احتکار تعریف‌هایی بیان شده است:

• حبسی که موجب نبود یا کمبود شدید کالا در بازار شود و بر اثر آن، مردم به تنگنا و یا سختی افتند.

• حبسی که به موجب آن، قیمت کالا در بازار افزایش می‌یابد؛ ولی مردم در تنگنا و سختی نخواهند افتاد.

• حبس کالا به منظور جلوگیری از رکود و کساد در بازار و ایجاد رونق.

• حبسی که مصرف‌کنندگان و نه عرضه‌کنندگان برای ذخیره‌سازی قوت سالیانه، نه تجارت انجام می‌دهند (سبحانی، ۱۳۸۰، ص ۶۶).

میزان احتکار و مدت آن، به وضع بازار و تقاضای مشتریان برای کالا بستگی دارد. تا وقتی که ذهن مصرف‌کنندگان آکنده از نگرانی و نااطمینانی به آینده باشد و کم‌شدن موقتی کالا را کم‌شدن همیشگی آن تصور کنند، به خرید کالا به مقداری بیش از اندازه لازم و به منظور ذخیره‌سازی شتاب می‌آورند (ولی‌پور، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱-۱۵۶). در روایات توصیف‌هایی از احتکارکنندگان دیده می‌شود که به‌عنوان مثال در دو روایت از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم محتکران و آدم‌کشان هم‌ردیف و هم‌درجه در جهنم معرفی شده‌اند (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۹۷۳۹). در روایتی نیز حضرت می‌فرماید: «هرکسی چهل روز، خوراکی را برامت من احتکار کند، اگر همه آن را هم صدقه بدهد، از او پذیرفته نشود (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۹۷۲۰).

۴. شاخص‌های اسلامی در مصرف

اسراف به معنی تجاوز از حد و از گناهان بزرگ و موجب پیامدهای ناگوار است و بنابراین هرگونه مخارجی که باتوجه به موازین عقلی و شرعی و مقتضیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فردی از حد لازم تجاوز کند، اسراف است. از آنجا که مراتب احتیاج از لحاظ شدت و ضعف متفاوت و برخی مهم‌تر و لازم‌تر از بعضی دیگرند، باید نیازهای مهم‌تر را در نظر گرفت و خرج کردن ثروت برای رفع احتیاج غیرمهم اسراف است. بنابراین، مهم‌ترین اصل اخلاقی در حوزه مصرف را می‌توان مصرف مبتنی بر نیاز و نیز مصرف به اندازه نیاز دانست (سبحانی، ۱۳۸۰، ص ۴۹-۷۶). در حوزه تولید نیز مباحث مربوط به حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از آلودگی و ویرانی آن، مهم‌ترین موضوعی است که باید به‌طور جدی بدان توجه کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۹۱-۹۲).

۵. شاخص‌های اسلامی در تبلیغات و ترویج محصول

یکی از مباحث بسیار مهم مطرح شده در ادبیات متعارف مدیریت بازاریابی، تبلیغات برای محصول است که در ذیل یکی از چهار رکن اصلی بازاریابی^۱ یعنی فعالیت‌های ترویجی مطرح می‌شود. تبلیغ محصول، داده‌های لازم برای رفع جهل مشتری درباره محصول را فراهم و به او کمک می‌کند که بتواند باتوجه به نیاز و درآمد خود درباره خرید یا نخریدن کالایی تصمیم بگیرد؛ از این رو تبلیغ، کاری پذیرفتنی و مشروع و لازم است. گاه فریب و نیرنگ کلیدی‌ترین و ابتدایی‌ترین عنصر در تبلیغ و فروش محصول است که در آموزه‌های اسلامی، به شدت از آن نهی شده: «کسی که مسلمان باشد، نه نیرنگ می‌کند و نه حيله‌گری؛ زیرا از جبرئیل علیه السلام شنیدم که می‌گفت، همانا نیرنگ بازو حيله‌گر در آتش اند» (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۳۶، ص ۳۲۶).

فریب در کسب و کار مصداق‌های متعددی دارد که مهم‌ترین آن، فریب در عرضه محصول

1. Product, Price, Place, Promotion.

است و شکل غالب آن این است که فروشنده ویژگی‌های محصول را برخلاف آنچه هست، معرفی می‌کند: «از بزرگ‌ترین نیرنگ‌ها، خوب جلوه‌دادن بدی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۹۲۶۰۵). نمونه دیگری که می‌توان در این باره راجع به آن صحبت کرد، غش در معامله است. در این اقدام فروشنده کاری می‌کند که خریدار کالا را به گونه‌ای متفاوت از آنچه هست، تصور و بنا بر تصورش اقدام به خرید کند؛ در حالی که اگر واقعیت کالا برای مشتری روشن می‌شد، عقل وی اجازه انجام چنین معامله‌ای را نمی‌داد. در روایات نیز به کاسبان و تاجران درباره این موضوع هشدار داده شده است: «ای خواربارفروش، زیر این کالا همانند روی آن است؟ هرکس به مسلمانان خیانت کند، مسلمان نیست» (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۶۰).

۶. شاخص‌های کلی بازار اسلامی

۱۰۶. آسان‌گیری در کسب و کار

نخستین اصل اخلاقی و رفتاری در تمام شئون تجارت، آسان‌گرفتن در کسب و کار است. آسان‌گرفتن در کسب و کار مصداق‌های گوناگونی دارد. مثلاً هنگام وزن کردن حتماً نباید آن قدر جنس را روی ترازو کم و زیاد کرد تا دقیقاً وزن مدنظر حاصل شود، یا اینکه به فرض، اگر قرار بود فرد سر ماه بدهی خود را بپردازد، اما نتوانست و با تأخیر چندروزه پرداخت کرد، نباید بر او سخت‌گیری و درشتی کرد. درحقیقت، آسان‌گیری، خود نوعی سود و منفعت برای انسان خواهد بود. رسول الله ﷺ در این باره می‌فرمایند: «عَفَرَ اللَّهُ لِرَجُلٍ كَانَتْ قَبْلَكَ كَانَتْ سَهْلًا إِذَا بَاعَ سَهْلًا إِذَا اشْتَرَى سَهْلًا إِذَا قَضَى سَهْلًا إِذَا اسْتَقْضَى»؛ خداوند عزوجل پیش از شما مردی را آمرزید که در خرید و فروش و پس‌دادن و پس‌گرفتن وام آسان می‌گرفت (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۵۰).

۲۰۶. وفاداری

وفای به عهد از موضوعات مهم و اساسی است که دین مقدس اسلام به آن، بسیار اهمیت می‌دهد؛ تا جایی که حتی وفای به عهد با دشمن و کسی را که از نظر عقیده و مسلک و هدف با انسان توافق ندارد، لازم می‌شمرد. دلیل توجه زیاد اسلام به وفای به عهد این است که

در صورت بی‌توجهی به این موضوع اساسی، نظام اجتماعی دچار خدشه خواهد شد و بر اثر بی‌نظمی و هرج و مرج، اعتماد مردم از یکدیگر سلب و در نتیجه زیربنای روابط اجتماعی سست خواهد شد. قرآن کریم التزام به عهد را ضروری دانسته و در آیات فراوانی با عبارات‌های گوناگون بر وفای به عهد و پیمان در همه مصداق‌های آن تأکید و به تمام معنا درباره آن سخت‌گیری کرده است. همچنین، خداوند پیمان‌شکنان را نکوهش کرده و به آنان وعده عذاب سخت داده است (سلطانی، ۱۳۸۳، ص ۶۴). قرآن مجید یکی از ویژگی‌های افراد باایمان را وفای به عهد می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ (مومنون، ۸).

۳.۶. عدالت

منظور از عدالت در اینجا، عدالت اجتماعی است؛ یعنی اعطای حق به صاحبان آن یا رفتار با هر کس به گونه‌ای که از نظر عقل و یا شرع مستحق آن است. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل، ۹۰). این اصلی عام در همه رفتارهای اجتماعی انسان و از جمله رفتارهای اقتصادی اوست.

۴.۶. نهی از ربا

ربا خطرناک‌ترین گناه در کسب و کار است. آیات و روایات زیادی به موضوع ربا پرداخته و ضمن بزرگ معرفی کردن این گناه، افراد را از نزدیک شدن به این گناه برحذر داشته‌اند. روایاتی ضرورت یادگیری احکام کسب و کار را مبتلانشدن به این گناه معرفی کرده‌اند: «ای مردم، ابتدا احکام [را بیاموزید]، سپس تجارت [کنید]. به خدا قسم که ربا میان این امت ناپیدتر از حرکت مورچه بر سنگ سیاه است (کلینی، ۱۳۵۹، ص ۱۵۰). در خصوص جزای دنیوی و اخروی رباخواران، روایت‌های زیادی وجود دارد که از جمله می‌توان به این روایت از امام صادق علیه السلام اشاره کرد: «یک درهم ربا نزد خداوند، سنگین‌تر از هفتاد بار زناکردن با محارم در خانه خداست» (مجلسی، ۱۴۰۰، ج ۱۰۰، ص ۱۱۷).

نتیجه

در اسلام درآمدهای مشروع و کسب و کار حلال، جایگاه ویژه‌ای دارد و قرآن مجید اموال را مایه قوام شخص و جامعه و زینت و آرامش فرد در زندگی دنیا می‌خواند. باتوجه به آیات و روایاتی که در زمینه کسب و درآمد حلال آمده است، می‌توان چنین گفت که مال و ثروت، نه تنها خوب است، بلکه هر مسلمان آگاه و وظیفه دارد در کسب آن تلاش کند و به جامعه‌اش در رشد اقتصادی یاری رساند.

نظام اقتصادی اسلام که سعادت انسان را هدف اصلی خود می‌داند، به استفاده عاقلانه از منابع طبیعی و امکانات خدادادی برای رسیدن انسان به هدف مقدس خویش تأکید می‌کند. الگوی مصرف در اسلام، علاوه بر مخالفت با اسراف، با پدیده ناشایست تجمل‌گرایی نیز به عنوان بیماری اقتصادی مقابله می‌کند.

انسان نیازهایی دارد که باتوجه به امکانات موجود، به رفع آن‌ها می‌پردازد و برای رسیدن به مقصود خود، در سایه فکر و تدبیر، روش‌های متعددی را به کار می‌گیرد. از دیدگاه قرآن انسان موجود نیازمندی است که خداوند زمین را برای او رام کرده و امکانات و منابع آن را در اختیار وی قرار داده است تا به وسیله آن، نیازهایش را برطرف کند.

قرآن با نهی از اسراف و بیان ضررهای آن و دعوت به میانه‌روی در تمام جنبه‌های زندگی، درحقیقت بهترین الگوی مصرف را برای داشتن زندگی سعادت‌مندانه به آدمیان عرضه کرده است. همچنین، در اسلام بر کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال تأکید فراوانی شده است و از نگاه آموزه‌های دینی، پاک‌ترین درآمدها از آن کسی است که دارایی‌اش را از راه معامله و تجارتی صحیح و درست به دست آورده باشد. احتکار، ربا، قاچاق، غش در معامله، گران‌فروشی و کم‌فروشی از مصداق‌های آفت در تجارت سالم هستند. بنابراین، برای دستیابی به کسب و کار حلال باید اصول و معیارهای اصلی، همچون آسان‌گیری در کسب و کار، وفاداری به پیمان‌ها در معامله، رعایت عدالت، دخالت نکردن در معامله دیگران و حذف ربا از معاملات، در بازار اسلامی مدنظر گرفته شود.



کتابنامه

۱. قرآن.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ انتشارات آل علی علیه السلام، ۱۳۸۲.
۳. ایروانی، جواد؛ «اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث»؛ مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۴، ۱۳۸۳.
۴. پاک‌نیا، عبدالکریم؛ «گذری بر اندیشه‌های اقتصادی امام صادق علیه السلام»؛ مجله مبلغان، شماره ۵۳، ۱۳۸۳.
۵. جزری، ابن اثیر مبارک بن محمد؛ النهایه فی غریب الحدیث و الاثر؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۱.
۶. جوادی آملی، عبدالله؛ اسلام و محیط زیست؛ قم: اسراء، ۱۳۸۶.
۷. جوادی آملی، عبدالله؛ جامعه در قرآن: تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ قم: اسراء، ۱۳۸۸.
۸. حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
۹. حقانی زنجانی، حسین؛ حقوق خانواده در اسلام؛ قم: دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۳.
۱۰. حمیری، نشوان بن سعید؛ شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکوم؛ بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۲۰.
۱۱. دشتی، محمد؛ نهج البلاغه؛ قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۸.
۱۲. رضایی، مجید؛ «آثار برخی قواعد فقهی بر بازار کار»؛ اقتصاد اسلامی، سال پنجم (تابستان ۱۳۸۴).
۱۳. سبحانی، حسن؛ «بررسی عناصری از مناهی اقتصادی در احکام اسلامی»؛ مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، شماره ۵۸، ۱۳۸۰.
۱۴. سبحانی، جعفر؛ مثل‌های زیبایی قرآن (۱۴)؛ عمل ریاکاران بی‌ایمان؛ درس‌هایی از مکتب اسلام، ۱۳۸۰.
۱۵. سلطانی، اسماعیل؛ «روابط اخلاقی و اجتماعی مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه

قرآن»؛ مجله معرفت، شماره ۸۳ (۱۳۸۳).

۱۶. شیخ صدوق؛ الأمالی للصدوق؛ کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۹.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۸. عاملی، شهید ثانی؛ الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه؛ قم: کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰.
۱۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم ودرر الکلم؛ قم: دارالکتب الإسلامی، ۱۴۱۰.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد مقری؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی؛ قم: منشورات دارالرضی، ۱۳۸۳.
۲۱. قراملکی احد، فرامرزی؛ اخلاق کاربردی در ایران و اسلام؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹.
۲۲. قرشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲.
۲۳. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۴. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۰.
۲۵. محدث نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه؛ مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۶.
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی؛ نظریه حقوقی اسلام؛ تدوین و نگارش محمد مهدی کریمی نیا؛ قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
۲۸. مهدوی کنی، صدیقه؛ ساختار گزاره های اخلاقی قرآن؛ رویکردی معناشناختی، چ، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸.
۲۹. میک، رونالد؛ پژوهشی در نظریه ارزش کار؛ ترجمه م. سوداگر؛ تهران: پازند، ۱۳۸۵.
۳۰. نصیری، علی؛ کنز العمال؛ مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷.
۳۱. هادوی نیا، علی اصغر؛ فلسفه اقتصاد: در پرتو جهان بینی قرآن کریم؛ تهران: سازمان



انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.

۳۲. ولی پور، محمد طاهر؛ «احتکار و مقابله با آن از دیدگاه روایات»؛ سفیر، شماره ۲ (۱۳۸۶).

33. A dictionary of Business (1996), Second Edition, Oxford, p. 503.

34. Sullivan, Arthur, Steven M. Sheffrin (2003), Economics: Principles in Action.

Upper Saddle River, New Jersey: Pearson Prentice Hall, P, 29.

Archive of SID